

**با طنز در طنز حمایت و پشتیبانی خودم را از حرکت کارزار زنان، تجمع و اعتراضشان در مقابل مرکز جاسوسی تروریستی رجاله‌های حاکم بر ایران در دن‌هاخ اعلام می‌دارم.**

جعفر امیری

## **شایعه چیه؟ عین حقیقه!**

خوش اومدید، راست‌اش می‌دونید چرا گفتم امروز همه جمع شیم این‌جا؟

- صبر کن، من یه حدسی می‌زنم
- نه من میگم
- بازم شایعه است؟
- بابا بذارین خودش بگه
- اوکی، اوکی خودم میگم؛ اولاً بابا نه و ماما در ثانی از همین حالا بگم خبرو همه شنیدین پس شایعه مایعه نیس...
- کشتی مارو بگو حکایت کار زاره دیگه
- آره...
- قبل از این که شروع کنی من یه خبر موثق بدم، شنیدم یه نفرم شرکت نمی‌کنه
- ای بابا... ای ما... ای حالا هر چی، حداقل خوداشون که دیگه شرکت می‌کنن
- نه دیگه مسئله همینه که اینا خودشون که اهل این حرفا نیستن!!
- میدونید چیه من تا یادم نرفته یه خبر خیلی سری رو به شما بگم؛ شنیدم یه عده بندانداز و زیر ابروگیر استخدام کردن و یه عده از این مردای بیچاره‌ی اروپایی را هم حاضر شدند که آرایش‌شان کنند و به جای زن بفرستند تو راهپیمایی.
- چرا می‌خندین شایدم راست میگه اینا بعضی‌هاشون آرایش نکرده هم تشخیص زن و مردشون دشواره!!
- این که چیزی نیست برا اونا خیلی‌ام جالبه، یه تفریحه من شنیدم می‌خوان اتوبوس‌ها را وسط راه پنچر کنند و همه بیان پائین و تا لاهه هول بدن.
- میگن یه بحثی تو خودشون مطرحه احدی هم خبر نداره، می‌خوان تو غذای همه مرگ موش بریزن بعد بندانازن گردن ملاها.
- والا من کاری به این حرفا ندارم، اما شنیدم تو جلساتشون مرد جماعت رو اصلاً راه نمی‌دن.
- این که بد نیس!
- خوبه اما مگه نشنیدی چه گرد و خاکی راه انداختند:

**" این راهپیمایی جای همه زنان و مردان آزایخواه و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی است که خواهان آزادی و برابری میان زنان و مردان در همه حیطه‌های زندگی و رفع هرگونه ستم جنسیتی هستند."**

- زکی، میگن احمد پوری تو جلسات هلندشون روسری سرش میکنه میشینه تو جلسه آگه نه بیرونش می‌کنن.

- قرتی! اون روز یکیشون می‌گفت: چوب کردیم لونه زنبور و آب افتاده لونه مورچه‌های پاسیو و بی‌عمل؛ حالا زنبورکا همه عصبانی ریختن بیرون و به آدمای گناه دارو بی گناه هی نیش می‌زنن.

- صد رحمت به اون، یکی دیگه شون که میخواست مثلا خیلی فلسفی حرف بزنه می گفت: بعضی از مخالفای این حرکت بزرگ مثل بهمن میمونن که آرام راه میفته و از کوه جدا میشه تو شتاب اولیه فکر می کنه کوه هم داره با خودش می بره ولی وقتی به دامنه ی کوه می رسه و بعد خودشو ته دره می بینه که داره آب میشه، تازه متوجه میشه که کوه سر جاشه و او تنها تونسته با خودش دو سه خونه وار بی بضاعت رو ته دره ببره.

- راستی من میگم اون قد بلنده خوب طنزی برایشون نوشته ها!

- کدوم قد بلندو میگی؟

- نکنه می خواد رفیق سر بلندو بگه؟

- آره، آره همونو می گم دیگه!

- مگه من چی گفتم؟

- خدا تورو نکشه!!

- لطفاً اونو دیگه قاطی این دواع مرافه ها نکنید، جداً که عمری را صرف حقیقت و حقیقت گویی کرده و تو هر جنگی هم دخالت کرده موضع ناب پرولتری داشته، در صراحت گفتار هم یه سر و گردن از همه بلندتره...

- پس این بیچاره درس می گفت: آقا قد بلندو...

- تو مزه نریز؛ جدی داریم حرف می زنیم. مثلاً هیچ دقت کردید چقدر قشنگ راه پیمایی طولانی مائو رو با این مسخره بازی اینا مقایسه کرده، و با چه صراحتی از محاصره ی شهرها از طریق روستا دفاع می کنه.

- والا خوب کاری می کنه آخه شهر چی داره؟ بمیرم براش حالا میدونم حیونی چرا از "برره" خوشش میاد.

- منو بگین چقدر از دنیا بی خبرم، تازه تائیدشان هم می کردم؛ فکر می کردم راس میگن.

- چی رو تائید می کردی کی رو فکر می کردی راس می گه؟

- اونا که از کمونیست مونیست یه ذره پائین میان و هم و غمشون همه اش اقتصاده می گفتند: این همه سرمایه و پولو، این همه امکانات و این همه وقتو به چه حسابی در اختیار این برره ره ای ها گذاشتن؟ شده رئیس جمهورشون اعتراض کرده که: تلویزیون به قدر کافی از خدمات دولت برنامه پخش نمی کنه. اونوقت اینا می خوان سه ماه دیگه هم هر شب برنامه داشته باشن.

- یادته وقتی من به حرفاش اعتراض کردم و گفتم: خب مردم کارشونو دس دارن، خُب شادشون می کنه

می خندونشون نظر سنجی ها نشون داده نود در صد مردم این برنامه رو نیگا می کنن، دیدی چی گفت؟

- آره یادمه، میگم که حتی حرفشو قبول داشتیم. می گفت: از کی تا حالا جمهوری اسلامی و تلویزیونش طرفدار شادی و خنده ی مردم شده؟ از کی تا حالا نظر سنجی ها و آمارشون معتبره؟ اونا که دشمن شادین، به شادترین شادی های مردم حمله می کنن و همه چیزو به هم میریزن و همه را جمع می کنن می برن کمیته مثل: جشن تولد، جشن عروسی، جشن هایی که دختر و پسرهای جوان برگزار می کنن و هر جشن و شادی دیگری که نشانی از نشاط و سرخوشی مردم داشته باشه. به واقع مردم را سرگرم کردند. می گفت: از وقتی این سریال های از صافی های ارشاد و اطلاعات رد شده و شروع کردند به سرگرم کردن مردم جوک های احمدی نژاد، خامنه ای رفسنجانی و جوک های علیه جمهوری اسلامی به طرز چشم گیری کاهش یافته و جایش را حرف زدن به زبان برره ای گرفته.

- میگم اصلاً این خانم قد بلند چرا خودشو درگیر اینا کرده؟ اینا که خودشون به قدر کافی کار [شان] زار هست.

- مگه نشنیدی اون پهلو نشون چی می گفت؟

- راجع به قد بلند؟

- آره دیگه تو هم مارو کشتی با این قد بلندت...

- بیخشید! اوکی سر بلند

- می‌گفت: این بیچاره هم (همون قد بلند تو!!) حتما چندتا زنبور یا زنبورک دنبالش کردن، کردنش تو زاویه اون بدبخت هم از ترس نیش اونا، ور داشته یه چیزایی نه به جد بل به هزل نوشته.

- این وصله‌ها با صد من سریشم به قد اون نمی‌چسبه!

- راستی بچه‌ها تا یادم نرفته بگم دلم برا این زنبورک هم کبابه، حیونی! چقدر زحمت می‌کشه چقدر کار می‌کنه، اون سایت‌اش را بگو با کوچکتین تا بزرگترین حرکت و مبارزات زنان اعلام همبستگی و حمایت می‌کنه، از اون صبح تا شب پشت کامپیوتره و دنبال کسب اخبار و اطلاعات در مورد زنانه از شب تا صبح هم تو اطاق‌های پالتاک جون می‌کنه و از حقوق زنان دفاع می‌کنه، مته زنبورکی که موسیقیدانان حرفه‌ای شمال غرب آسیای میانه‌ی مرکزی که در شاخ آفریقا می‌زنند صدش میاد؛ تو هر اطاق و جلسه‌ای هم که او باشه کی جرات داره بگه بالا چشم زن ابروه، خفاهش می‌کنه، با یه عالمه فاکت از: سیمین دبووار، سیمین دانشور، سیمین بهیانی، سوسن- همین سوسن خودمون میگم ها نه اون سوسن مرحومه- تازه شنیدم - البته اینو هنوز هیچکی نمیدونه و کاملاً سریه- می‌گن سازمانشون اون مجبور کرده که از "اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ" به خاطر بی عملی‌اش بیاد بیرون. می‌گن به لحاظ‌هایی اگه سازمانشون قبول نمی‌کرد تهدید کرده بود جدا میشه.

- طفلک! اون وقت می‌گن به این کار زاریا حسادت می‌کنه، از لجش حتی خودشو نیش می‌زنه، براش شایعه درست کردن که در یک جلسه‌ی کاملاً خصوصی و محرمانه گفته: این گیسو اگه یک بار دیگه بیاد هلند برنامه اجرا کنه گیسو می‌بچه دستش. گفته اصلاً این چی می‌گه اینقدر از خودش شاکرر.

- آخی چقدر بعضی‌یا بی‌رحمن، اصلاً چشم ندارن فعالیت‌های بشدت عملی دیگران رو ببینند. اسمش یه خورده نیش دار هس اما من پنهونی شنیدم خیلی مهربونه. راستی کی میدونه این ک آخر اسمش واسه چیه؟

- می‌گن مصغرش می‌کنه. مثل: دخترک یعنی دختر بچه دختر کوچولو، یا پسرک یعنی پسر بچه، پسر کوچولو...

- اوکی اما اگه بر بخوریم به یه زنبور درشت دختر یا پسر فرق نمی‌کنه هر دو یکیه - از نظر گرامر می‌خوام بدونم- و با همین ک مصغر می‌شن؟ یعنی خودشون خودشونو کوچیک می‌کنند؟ - توام گیر میدی ها اه

- خیلی خُب. دوستان و رفقا به هر حال نگذاشتید من حرفمو بزنم اما خودتون همه حرفا رو زدین؛ درسته واسه همین بود؛ همین که همه گفتین و همه هم درسته! اما کافی نیس!

- پیشنهادت چیه میگی چکار کنیم؟

- میگم روک و راس و صادقانه بیاین دنبال این شایعه پراکنی‌ها و جار و جنجال‌ها نریم، اونارو ولشون کنیم به حال خودشون هر کاری دلشون می‌خواد بکنن و هر دروغی دارنند به خورد مردم بدن.

بیاید ما هم همت کنیم تمام این حقایق رو که طی این چند ساعت همه گفتین نداریم در چار دیواری این خونه بمونه. وقت زیادی هم نداریم باید به عنوان یک وظیفه آب هم دستمون هست زمین بذاریم با تمام توان حقیقت رو به اطلاع مردم برسونیم. آخه یه احساس مسئولیتی گفتن!

- مسلمه که این کار رو همه خواهیم کرد اما باید راه کاری پیدا کنیم که بهترین نتیجه رو بده.

- من یه پیشنهاد مشخص دارم. میگم از همین ساعه که از این در رفتیم بیرون همه‌ی این حقایق رو که گفتیم دهن به دهن پخش کنیم. بعد بنویسیم و بذاریم روی سایت‌های خواهر و بعد بفرستیم برای سایت‌های دیگر و ازشون بخوایم که اونام هم همین کار رو بکنن. بعد بحث پالتاکی راه بندازیم و بعد با خودمون و با دیگران ترتیب مصاحبه بدیم و هر کار و هر خلاقیتی هم که درحین انجام وظیفه به ذهن هر کس خطور کرد هیچ ایرادی نداره میتونه به کار ببنده تا کارشان را راستی راستی زار کنیم.

- میگم چطوره طنز هم بنویسیم؟

- اگه جدی باشه خیلی‌ام خوبه، اصلاً خود شاهگل بازی رو گرفتیم!

- چطوره چندتا شعار هم انتخاب کنیم؟

- خُب بگید، پیشنهاد بدین

- من دلم میخواد شعار امون اینا باشن:

خبر رسانی درست و انقلابی و به موقع هدف ماست!  
حقیقت گویی و جلو گیری از شایعه پراکنی وظیفه‌ی ماست  
راست گویی و صداقت عین رضایت ماست

- من میگم یه مرگ، پرگیم بگیم

- ول کن تو هم حالا فرض کن ما صدتا مرگ به اینو و اونم گفتیم کی به حرف ما می‌میره، یه چیزی میگم بین خودمون بمونه، اما بذارین دنیا با خبر شه، ما باید زنده زنده پوستشونو بکنیم تا دیگه بدون اطلاع و اجازه‌ی ما دست به هیچ کاری نزنن و هم چنین هوس راه پیمایی بزرگ و اقدام به جنگ توده‌ای طولانی و جنگ چریک شهری هم نکنند. پشت پرده هم با ارتش حکومتی علیه اشغالگران ژاپنی متحد نشن و راه بیفتند بروند جلو دادگاه لاهه در هلند امپریالیستی.

- راستی می‌دونید همین هلند یکی از کشورهای استعمارگر بوده و هنوز هم شنیدم مستعمره داره و سیاست‌های نواستعماریشو به وسیله همین ساختمان دادگاه لاهه در سراسر دنیا داره پیش می‌بره؛ و این ساختمان هم تا حالا نه یک بار خودشو محکوم کرده و نه کشتار و تجاوز به زنان یوگسلاوی را محکوم کرده؛ هم چنان هم سر و مُر گنده ایستاده سر جاش.

- جداً این کارا رو نکرده؟ وای بر ما!

- میگم که! این خنگ‌های خدا به جای این که بیل و کلنگ و داس و چکش وردارند برن ویرانش کنند، می‌خوان برن باش چاق سلامتی کنند.

- وقتی از یکیشون پرسیدم چرا اونجا را انتخاب کردین؟ باد به غب غب انداخت خیلی ادبی گفت: این انتخاب سمبولیک است، بعد هم ما امسال آنجا را انتخاب کرده‌ایم شما هم همراهی کنید سال دیگر شما راه بیندازین بروید جلو کاخ کرملین یا هر جا دیگر که دلتان می‌خواهد ما هم همراهی‌تان می‌کنیم.

- بچه‌ها یه چیز اساسی رو مته اینکه فراموش کردیم...

- چی چی رو فراموش کردیم آقای بلند قدو یا خانم قد بلندو!!!

- شوخی نکن، جدی میگم مسئله‌ی ۸ مارچ روز زن و دفاع از حقوق زنان رو میگم.

- خنگ خدا وقتی روز زن داره به انحراف میره دارن میبرنش به جاهایی که اصلاً صلاح نیست، از حقوق زن غلط داره دفاع میشه و ما داریم جلو این کار رو میگیریم، خدمتی از این عظیم‌تر به زن، روز زن، حقوق زن، کار زن، نان زن، مسکن زن و نام زن در طول تاریخ بشریت سراغ داری؟ به جای این حرفا سعی کن از این پیکار قد بلند یعنی بلند قد که در واقع امر همان سر بلند است بیرون بیائیم!

- فقط امیدوارم کسی فکر نکند حرف‌های ما شایعه است.

**- شایعه چیه؟ عین حقیقته!**

تشکل اینترناشنال انسان‌های ایرانی  
طرفدار حرکتهای نظری کاملاً عملی  
عاشق بحث‌های تنوریک پراتیکی